



The Role of the United States in the Strategic Cooperation Between Russia and China: Focusing on the Presidencies of Donald Trump and Joe Biden

Milad Pahlevan Mangodehi ¹ | Reza Simbar ² | Hassan Bazdar ³ 

Vol. 3
Autumn 2023

DOR:

Research Paper

Received:
27 August 2023
Revised:
22 January 2024
Accepted:
22 January 2024
Published:
22 January 2024
P.P: 11-40

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



Abstract

With the dissolution of the Soviet Union and the end of the Cold War, the United States emerged as a superpower with dominant economic, military, political, and ideological influence in the international system. This new position allowed the U.S. to increase its role and influence, leading to interventions in international affairs. However, as the international system evolved and rival powers gained strength across various dimensions, American interests and its dominant position faced significant challenges. Russia and China, as two emerging powers, have consistently been perceived as threats by the United States. This research aims to examine the role of the United States in the strategic relationship between Russia and China. The central question of the research is: What role does the United States play in the strategic cooperation between Russia and China? The research adopts a descriptive-analytical approach, with data and information gathered through library research. The hypothesis posits that the threats perceived by Moscow and Beijing from the U.S. have led to a deepening alliance and strategic cooperation between the two countries in the international and regional arenas, which has intensified during the Trump presidency and the current Biden administration. The study concludes that Russia and China, with the objective of countering and containing the threatening policies of the United States, have increased their economic and military cooperation, coordinated their actions within international institutions and organizations, and pursued convergence in Central Asia, Eurasia, and West Asia.

Keywords: United States, Russia, China, Defensive Realism, Strategic Cooperation.

1. Corresponding Author: M.A. in International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran.
miladpahlavan75@gmail.com
2. Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran.
3. M.A. in International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran.

Cite this Paper: Pahlevan Mangodehi' M & Simbar' R, Bazdar'H. The Role of the United States in the Strategic Cooperation Between Russia and China: Focusing on the Presidencies of Donald Trump and Joe Biden. American strategic studies, 11(3), 11-40.

Publisher: Imam Hussein University

 **Authors**





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

صص: ۱۱-۴۰

شماره چاپی: ۲۸۲۱-۰۲۴۷

الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



نقش ایالات متحده آمریکا در همکاری استراتژیک روسیه و چین؛ با تأکید بر دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ و جو بایدن

میلاذ پهلوان منگودهی^۱ | رضا سیمبر^۲ | حسن بازدار^۳ 

چکیده

با اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی و اتمام دوران جنگ سرد، آمریکا به منزله بازیگر ابرقدرت در ابعاد اقتصادی، نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکی در نظام بین‌الملل تعیین شد. موقعیت جدید آمریکا به این کشور اجازه داد که با افزایش نقش و نفوذ به مداخله در نظام بین‌الملل اقدام نماید. در ادامه تحولات نظام بین‌الملل با افزایش قدرت رقبا در ابعاد گوناگون، منافع و موقعیت آمریکا با چالش‌هایی مواجه شده است. روسیه و چین به عنوان دو قدرت نوظهور می‌باشند که همواره از سوی ایالات متحده آمریکا برداشت تهدید نموده‌اند. هدف پژوهش بررسی نقش ایالات متحده آمریکا در روابط استراتژیک روسیه و چین است. سوال اصلی پژوهش این است که ایالات متحده آمریکا چه نقشی در همکاری استراتژیک روسیه و چین دارد؟ رویکرد پژوهش توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است. فرضیه مقاله این می‌باشد که تهدیداتی که مسکو و پکن از سوی آمریکا برداشت می‌کنند سبب ائتلاف و همکاری عمیق دو دولت در نظام بین‌الملل و منطقه‌ای شده است که این امر در دوره ریاست جمهوری ترامپ و دوره فعلی ریاست جمهوری بایدن بیشتر شده و همکاری دو دولت گسترش پیدا کرده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد دو دولت روسیه و چین با هدف مقابله و مهار سیاست‌های تهدیدزا آمریکا به همکاری‌های اقتصادی، نظامی و هماهنگی در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و همگرایی در مناطق آسیای مرکزی، اوراسیا و غرب آسیا روی آورده‌اند. **کلیدواژه‌ها:** ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، واقع‌گرایی تدافعی، همکاری استراتژیک.

miladpahlavan75@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲. استاد، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۳. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

استناد: پهلوان منگودهی، میلاذ؛ سیمبر، رضا؛ بازدار، حسن. نقش ایالات متحده آمریکا در همکاری استراتژیک روسیه و چین ...

DOR: .۱۱-۴۰، (۳)۱۱

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

تردیدی نیست که جنگ سرد و پایان آن در دهه ۱۹۹۰ نقطه عطف و مقطع تعیین کننده‌ای در تاریخ نظام بین‌الملل محسوب می‌شد؛ زیرا با این رخداد این دوره از تاریخ پایان یافته و دوره جدیدی در جهان آغاز شد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سبب بروز دگرگونی‌های جدی در ساختار نظام بین‌الملل، پایان نظام دو قطبی، پایان جنگ سرد و ایجاد روابط مختلف میان ایالات متحده آمریکا و سایر بازیگران نظام بین‌الملل شد. سیاست مداخله جویانه ایالات متحده آمریکا برای ایفای نقش رهبری جهانی و جلوگیری از قدرت‌یابی سایر رقبا در ابعاد جهانی و منطقه‌ای از همان ابتدا مدنظر برخی از دولت‌ها قرار گرفت و نسبت به سیاست و قدرت کوبنده آمریکا در نظام بین‌الملل به اعتراض و انتقاد پرداخته بوده‌اند. بوزان معتقد است کشورهایی که از قدرت فزاینده‌ای در نظام بین‌الملل برخوردارند طمع پیدا می‌کنند از آن سوء استفاده به نفع ملی خویش کنند و حتی موقعی که بهره آن‌ها از زور حالت تجاوز ندارد، باز هم سایر کشورها آن را به مثابه نوعی تجاوزگری و برداشت تهدید می‌بینند از این موضوع می‌توان به این نتیجه رسید که حرکت به جهت وضعیت یک قطبی موجب رفتار متوازن کننده نیرومند سایر کشورها علیه ابر قدرت جهانی می‌شود (بوزان، ۱۳۸۹: ۵۵).

روسیه و چین دو دولت در نظام بین‌الملل هستند که با سر و سامان دادن وضعیت داخلی کشورشان در صدد رقابت با ایالات متحده آمریکا برآمده‌اند. روسیه به عنوان قدرت نظامی در صحنه‌ی نظام بین‌الملل مطرح است. این کشور نسبت به تحولات جهانی حساس است و در رقابت شدید با آمریکا قرار دارد. چین نیز دهه‌ها است که به لحاظ اقتصادی از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشد و این پتانسیل را دارد که در آینده جایگاه قدرت اول اقتصادی آمریکا را تصرف نماید. همچنین، از لحاظ نظامی پیشرفت‌هایی داشته است. بی‌شک رشد قدرت روسیه و چین در نظام بین‌الملل و مخالفت آنان با سیاست یک‌جانبه‌گرایی و مداخله‌جویانه آمریکا موجب نگرانی این کشور شده به طوری که مقامات آمریکا در طول دهه‌های گذشته به دنبال توقف رشد این دو قدرت نوظهور برآمده‌اند. روسیه و چین با رصد تحولات نظام بین‌الملل و کاستن فشارهای ایالات متحده آمریکا به یکدیگر نزدیک شده‌اند. روسیه و چین یک تهدید مشترک دارند و آن

آمریکا است و همین امر سبب ائتلاف و همکاری دو کشور علیه آمریکا در نظام بین الملل شده است. روسیه و چین در برخی از مسائل با یکدیگر اختلاف دارند؛ اما تهدید مشترک از جانب آمریکا تا حدودی باعث شده آن مسائل چندان مدنظر قرار نگیرد. به طوری که این دو کشور در طول دهه‌های گذشته در خصوص مسائل مهمی چون کره شمالی، افغانستان، سوریه، جمهوری اسلامی ایران و به طور خاص بحران اوکراین و دریای جنوبی چین مواضع مشترکی اتخاذ نموده‌اند و شرایط برای ائتلاف و همکاری‌های راهبردی مابین دو دولت مذکور در قبال تهدیدات آمریکا فراهم بوده است که نیازمند به بررسی دقیق‌تر دارد. هدف پژوهش بررسی نقش ایالات متحده آمریکا در روابط استراتژیک روسیه و چین با تأکید بر دوران ریاست جمهوری ترامپ و بایدن است. بنابراین، سؤال نوشتار حاضر این است که ایالات متحده آمریکا چه نقشی در همکاری استراتژیک روسیه و چین دارد؟ فرضیه مقاله این می‌باشد که تهدیداتی که روسیه و چین از سوی آمریکا برداشت می‌کنند سبب ائتلاف و همکاری دو دولت مزبور در نظام بین الملل و منطقه‌ای شده است که این امر در دوره ریاست جمهوری ترامپ و دوره فعلی ریاست جمهوری بایدن بیشتر شده و همکاری دو دولت گسترش پیدا کرده است.

۱- پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع این پژوهش، آثاری توسط پژوهشگران داخلی و بین‌المللی منتشر شده است که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

سیمبر و حسینی در مقاله‌ای به تحلیل شاخص‌های مؤثر بر همگرایی و منازعه دو دولت روسیه و چین در عصر پس از پایان جنگ سرد می‌پردازند و با استفاده از چارچوب نظری همگرایی و واگرایی به دنبال علل همگرایی و واگرایی روسیه و چین در پسا جنگ سرد می‌باشند (سیمبر و حسینی، ۱۳۹۶). سجادی و خلیلی، در مقاله‌ای بر روی همکاری‌های اقتصادی روسیه و چین تأکید می‌کنند. همکاری‌ها که از سطح پایینی در دهه نود میلادی آغاز گردید و در سال‌های پس از آن به رغم برخی اختلافات به طور عمده روندی صعودی داشته است (سجادی پور و خلیلی، ۱۳۹۷).

لوکین در پژوهشی به رشد قدرت اقتصادی و نظامی روسیه و چین در طی سال‌های گذشته اشاره کرده و می‌نویسد رشد قدرت دو دولت مزبور، نظام بین‌المللی تک قطبی به رهبری آمریکا

را با چالش مواجه کرده است. از آنجایی که مسکو و پکن منافع مشترک و نزدیکی در قبال آمریکا دارند و آن این است که هر دو کشور ساختار نظام بین‌الملل به رهبری آمریکا را قبول ندارند و همین امر سبب همکاری آنان با یک‌دیگر شده است (Lukin, 2018).

صفری و رادگودرزی در مقاله‌ای به رشد قدرت دولت‌های نوظهوری چون روسیه و چین اشاره می‌کنند از منظر آنان روسیه و چین دو دولتی هستند که مخالف سلطه غرب به‌ویژه آمریکا در نظام بین‌الملل هستند در مقایسه با چین، روسیه نگاه تجدیدنظرطلبانه‌ای به ساختار نظام بین‌الملل داشته و چالش‌های بیشتری را ایجاد کرده است. در این خصوص چین از چالش‌های ایجاد شده به وسیله روسیه برای نظم لیبرالی و هژمونی ایالات متحده حمایت نموده است (صفری و رادگودرزی، ۱۴۰۰). آسیابان در مقاله‌ای به رقابت مابین آمریکا با روسیه و چین پرداخته و معتقد است رقابت و تقابل واشنگتن با مسکو و پکن تحت تاثیر الگوهای حکمرانی برآمده از عنصر تمدنی هویت بخش در گسل‌های ژئوپولیتیکی مناطق غرب آسیا و شرق آسیا در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژی گسترش یافته است (آسیابان، ۱۴۰۱). بوسویت و کاجمارسکی در مقاله‌ای ضمن اشاره به منافع روسیه و چین در سیاست بین‌الملل به رقابت و همکاری دولت‌های مزبور را بررسی می‌کنند از منظر آنان با وجود رقابت دو دولت روسیه و چین در برخی از مسائل، اما دو دولت مزبور منافع مشترک دارند که سبب همکاری با یک‌دیگر شده است (Bossuyt & kaczmarski, 2022).

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته فوق، نوشتار حاضر درصدد است روابط روسیه و چین را از منظری دیگر تحلیل و بررسی نماید. علی‌رغم اینکه دولت‌های مزبور فرصت‌ها و پتانسیل بالایی برای همکاری دارند؛ اما عامل مهم دیگری وجود داشته که سبب همکاری مسکو و پکن شده و آن نقش دولت آمریکاست. روسیه و چین در طول دهه‌های گذشته از جانب آمریکا برداشت تهدید نموده‌اند. این برداشت تهدید در دوره ریاست جمهوری ترامپ و ریاست جمهوری فعلی بایدن بیشتر شده است که نیازمند به بررسی بیشتر و عمیق‌تر دارد که پژوهش کنونی قصد انجام همین امر را دارد.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع نظری می‌باشد که در آن از نظریه واقع‌گرایی به‌منظور تجزیه و تحلیل موضوع پژوهش به کار گرفته شده است. رویکرد پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد.

۳- مبانی نظری

نظریه واقع‌گرایی در دهه ۱۹۸۰ به علت ورود جنگ سرد به مرحله جدید و تقابل شدید تسلیحاتی و نظامی میان دو بلوک شرق و غرب، حیات دوباره یافت. نظریه نواقع‌گرایی مانند شکل کلاسیک آن همچنان دولت را به‌عنوان بازیگر اصلی و مهم در صحنه نظام بین‌الملل معرفی می‌کند. از پیشگامان نظریه نواقع‌گرایی کنت والتز را می‌توان نام برد که در اثر معروف خود با عنوان «نظریه سیاست بین‌الملل» سعی کرد کالبد از هم گسیخته اندیشه‌های واقع‌گرایی را سامان دهد و آن را به صورت یک نظریه جامع مطرح ساخت (قوم، ۱۳۹۴: ۳۰۲). والتز دو عنصر ساختار نظام بین‌الملل را ثابت و بدون تغییر می‌داند: اول) نبود یک مرجع اقتدار فراگیر و غالب؛ بدین معنی است که اصل نظم دهنده، اقتدارگریزی است. دوم) اصل خودیاری؛ بدین معنی است که خصیصه همه دولت‌ها همانند هم مانند بر این اساس، تنها متغیر ساختاری، توزیع قدرت و توانایی‌هاست که از این نظر هم تفاوت اصلی میان نظام‌های چند قطبی و دوقطبی وجود دارد (گریفیس، ۱۳۹۱: ۴۸).

نظریه نواقع‌گرایی طبق گفته‌ی جک اسنایدر در دو مقوله تدافعی و تهاجمی تقسیم شده است. دیدگاه‌های متنوعی راجع به مصادیق واقع‌گرایی تدافعی وجود دارد. بارزترین مصداق واقع‌گرایی تدافعی نظریه سیاست بین‌الملل کنت والتز است. نمونه‌های دیگر واقع‌گرایی تدافعی، نظریه‌هایی است که نظریه‌پردازانی چون رابرت جرویس، جک اسنایدر، استفان والت، بری بوزان و استفن ون آن را تعریف و ارائه داده‌اند. بیشتر این نظریه‌ها تلاشی در چارچوب نواقع‌گرایی برای تصدیق و تکمیل نظریه والتز ساخته و پرداخته شده‌اند. رویکرد واقع‌گرایان تهاجمی چون مرشایمر نظریه خود را در مقابل و مقایسه با نظریه والتز ارائه داده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۹۴). واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که امنیت به حدی در یک نظام خودیاری مبهم و پیچیده است که دولت‌ها تا آنجا که برایشان امکان‌پذیر است، در جهت کسب قدرت فزاینده که شامل توانایی‌های

مادی به‌ویژه در بخش نظامی است، سوق داده می‌شوند تا به عنوان قدرت جهانی، سرکرده و هژمون و یا حداقل قدرت منطقه‌ای تبدیل شوند (قوام، ۱۳۹۴: ۳۰۸). به باور واقع‌گرایان تهاجمی هرج‌ومرج دولت‌ها را به این سمت سوق می‌دهد که تا قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند. امنیت و بقا در نظام بین‌الملل هرگز تضمین نخواهد شد و به این سبب کشورها به دنبال به حداکثر رساندن امنیت خویش با حداکثر کردن قدرت و نفوذ نسبی خود می‌باشند، زیرا کشورهای قوی‌تر در نظام بین‌الملل شانس بیشتری جهت بقا دارند (Taliaferro, ۱۹۹۹). بنا بر گفته‌ی جان مرشایمر دولت‌ها ناگزیر می‌شوند که افزایش قدرت را به عنوان تنها ابزار جهت حفظ بقا خود در دستور کار قرار دهند (Mearsheimer, 2006).

در برابر واقع‌گرایی تهاجمی، رویکرد واقع‌گرایی تدافعی قرار گرفته است. واقع‌گرایی تدافعی والتز بر دو اصل اساسی استوار است: اول) دولت‌ها بازیگران کلیدی و اصلی در نظام بین‌الملل هستند که در نظام آنارشیک فاقد هرگونه اقتدار مرکزی عمل می‌کنند. دوم) انگیزه اصلی و اولیه دولت‌ها بقا به معنای حفظ حاکمیت ملی کشور (استقلال سیاسی و تمامیت ارضی) است. دولت‌ها تقلا می‌کنند تا قدرت را به قیمت از دست دادن آن از جانب سایر رقبای به دست آورند؛ ولی تحقق به این هدف به وسیله جنگ و تهاجم نظامی سیاست عاقلانه و هوشمندانه نمی‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۹۵). به باور والتز ساختار نظام بین‌الملل آنارشیک ناگزیر به سیاست خودیاری و قدرت فزاینده منتهی است (Heydarian & Pashkhanlou, 2009). واقع‌گرایان تدافعی موازنه تهدید را بر موازنه قدرت اولویت می‌دانند. به بیان ساده‌تر دولت‌هایی که با یک تهدید یا تهدیدات مشترک مواجه هستند، در برابر آن‌ها با یک‌دیگر متحد و همراه می‌شوند (Walt, 1987: 149). بر این اساس، دولت‌هایی که نسبت به دولت‌های دیگر برداشت تهدید می‌کنند از طریق روش موازنه‌سازی درون‌گرا، یعنی گسترش قدرت و توانایی‌های خویش، یا روش موازنه‌سازی برون‌گرا، در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های نظامی و امنیتی به مقابله و مهار علیه دولت تهدیدزا و برهم زننده نظم و موازنه قوا اقدام می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۹۵). در این راستا، نقش دولت ایالات متحده آمریکا در همکاری استراتژیک روسیه و چین را می‌توان در این چارچوب بررسی کرد.

۴- روابط آمریکا و روسیه پس از پایان جنگ سرد

روابط خارجی آمریکا و روسیه فراز و فرودهای فراوانی را طی کرده است. با اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی و پایان دوران دوقطبی در نظام بین‌الملل، صبحت‌های زیادی پیرامون روابط آتی واشنگتن و مسکو مطرح می‌شد. گفته‌ها از یک سو، پایان تقابل میان دو ابرقدرت را به مثابه کاهش منازعات منطقه‌ای برآورد می‌نمود و نیز از سوی دیگر، اصلی‌ترین دغدغه این رویداد را چگونگی برخورد با منازعات منطقه‌ای تاریخی و بی‌ثباتی نشست گرفته شده از آن بر می‌شمردند (سیمبر و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۲: ۶۳). با این حال، از اواسط دهه ۱۹۹۰، امنیت نسبی روسیه شروع به افول کرد، گسترش نفوذ ناتو به سمت منطقه اروپای شرقی و حضور پررنگ ایالات متحده آمریکا در قلمرو شوروی سابق، امکان رقابت ژئوپولیتیکی را در مناطق حیات خلوت روسیه افزایش داد. همچنین، زرادخانه هسته‌ای روسیه به دلیل کمبود شدید منابع مالی به تدریج کهنه و فرسوده می‌شد، این در حالی بود که ایالات متحده آمریکا قدرت نظامی خویش را نوسازی می‌کرد و برنامه‌های دفاعی راکتی خود را با سرعت ادامه می‌داد (هنسن و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳).

۴-۱- عادی سازی روابط غرب و روسیه (۱۹۹۳ - ۱۹۹۲)

در سیاست خارجی، این دوره، بهترین دوره روابط روسیه و غرب بود. در طول این مرحله، دو عامل در سیاست خارجی روسیه اهمیت داشت: ۱) نگرانی‌های داخلی درباره آثار شوک درمانی بر مردم ۲) آرزوی روسیه برای پیوستن به غرب (هانتر و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶۷). آندره کوزیروف این مسئولیت را بر عهده داشت و در طی مسئولیت‌اش تمام تلاش خود را کرد تا روسیه را به غرب نزدیک نماید که از آن دوران تحت عنوان آتلانتیک گرایی یاد می‌شود. اما این روند ادامه پیدا نکرد و سبب شکاف در همکاری روسیه و غرب گردید.

۴-۲- شکاف در روابط آمریکا و روسیه

از سال ۱۹۹۳ شکاف در همکاری روسیه و غرب انجام می‌گیرد. به دلیل مخالفت‌های داخلی و افزون بر آن ناامیدی از غرب و پیشرفت تدریجی جریان‌های غیرآتلانتیکی، روسیه به سوی یک سیاست خارجی قاطع‌تر پیش رفت و می‌کوشید استقلال خود را از غرب نشان دهد که گاه با

سخنان ضد آمریکایی همراه بود. بر اساس سیاست خارجی روسیه در بالکان این موضوع به معنای فعالیت بیشتر روسیه و پیگیری منافع اصلی اش در منطقه بود. در این دوره روسیه می‌کوشید از اینکه ناتو نقش تعیین‌کننده در جنگ بازی کند، جلوگیری نماید و نقش سازمان ملل متحد را پررنگ‌تر سازد (هانتز و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۶۹). ادبیات روس‌ها به تدریج با روی کار آمدن یوگنی پریماکف به عنوان وزیر امور خارجه و بعد از آن به منصب نخست‌وزیری، در منازعات بین‌المللی و رویارویی سیاسی با آمریکایی‌ها به گونه‌ای کنترل شده از شکل تدافعی خارج می‌گشت. در سال‌های ابتدایی پس از فروپاشی، روس‌ها که نمی‌توانستند در قبال بی‌توجهی و عدم تمایل آمریکایی‌ها در حل مسائلی هم چون پاناما و عراق اعتراض نمایند، کم‌کم شرایط را جهت ورود مجدد به صحنه نظام بین‌الملل با تکیه بر دیدگاه‌های اوراسیا‌گرایانه پریماکف مطلوب دیدند (سیمبر و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۲: ۶۵).

۴-۳- حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر و همکاری مجدد روسیه و آمریکا

روسیه نگرانی خود را نسبت به فعالیت اسلام‌گرایان تندرو اعلام کرده بود و در جنگ دوم چچن مسلمانان توسط نیروهای امنیتی و نظامی روسی سرکوب شدند که با مخالفت آمریکا مواجه گشت و سبب شد مقامات روسی از خود واکنش نشان دهند. برخی از اظهارات وزیر امور خارجه روسیه نیز انتقادهای تندی از موضع غرب در قبال مسئله چچن بود در ژانویه ۱۹۹۵ وزیر امور خارجه در سخنان خود به «انتقاد نامناسب و شتاب زده غرب» از عملکرد نظامیان آن کشور در چچن حمله کرد. همچنین، هشدار داد که همکاری غرب و روسیه در رخدادهای چچن مورد آزمایش قرار گرفته و گفت: غرب باید از خود بپرسد که آیا درست است که چنین عجولانه و قاطعانه تجربیات مثبت تعامل با روسیه را خراب کند؟ (هانتز و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۸۷). با این وجود، پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ورق برگشت و سبب همکاری دو دولت آمریکا و روسیه شد. پس از حملات تروریستی به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ مولفه‌های راهبرد دنباله‌روی نرم از سوی روسیه نمایان شد. پوتین رئیس‌جمهور روسیه پس از این حملات، اولین رئیس‌دولتی بود که با رئیس‌جمهور آمریکا تماس گرفت و اظهار همدردی و تأسف نمود و همچنین، حمایت روسیه را در جنگ با تروریسم بیان نمود در همین راستا، روسیه با ایجاد پایگاه‌های نظامی موقتی آمریکا در قلمرو شوروی سابق مخالفت نکرد. آمریکا پایگاه‌هایی را در

ازبکستان و قرقیزستان ایجاد کرد تا در جنگ با افغانستان در اکتبر ۲۰۰۱، برای نابود کردن اردوگاه‌های آموزشی القاعده و ساقط کردن حکومت طالبان که القاعده را پناه داده بود، از آنها استفاده نماید. بنابراین، روسیه در جنگ با تروریسم بین‌المللی که خودش در چپن درگیر آن بود با آمریکا همراه شد (هنسن و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۸). همچنین، در حمله یک‌جانبه آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ با اعتراض نه‌چندان جدی دولت روسیه مواجه شد.

۴-۴- ارتقای موقعیت روسیه به مثابه قدرت بزرگ

ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ طی انتخاباتی توسط مردم به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. پوتین زمانی به ریاست جمهوری دست یافت که کشور در وضعیت مطلوبی قرار نداشت و بنابراین ولادیمیر پوتین بدنبال سر و سامان به این وضعیت نامطلوب بود که این امر بدون پشتیبانی منابع مالی گزاف امکان نداشت. افزایش درآمدهای حاصل از فروش انرژی طی سال‌های ۲۰۰۶ به بعد به عنوان یک ابزار مهم در روابط دو کشور روسیه و آمریکا ایفای نقش می‌کند (Shlapentokh, 2006: 22). افزایش درآمد انرژی سبب شد روسیه سیاست عمل‌گرایی خود را پیاده‌سازی کند. که می‌توان به سخنرانی ارائه شده توسط پوتین در نشست امنیتی مونیخ در ۲۰۰۷ اشاره کنیم. در این نشست، رئیس‌جمهور روسیه برنامه سیاسی خود را بیان نمود، که هدف اصلی آن بازگشت روسیه به جایگاه قدرت برتر در مقابل غرب بود (Sospedra, 2018: 4). روسیه خود را در مرحله نوینی از توزیع قدرت جهانی می‌دید که می‌توانست سهمی مناسبی را برای خود در نظرگیرد. پیگیری سیاست تهاجمی در بخش انرژی و تأکید بر تثبیت جایگاه خود به مثابه ابرقدرت انرژی، سیاست خاورمیانه‌ای جدید، پیگیری برنامه‌های گسترده نوسازی نظامی و فروش بیشتر تسلیحات نظامی سنگین، عدم پذیرش قاطع استمرار سپر راکتی آمریکا در منطقه اروپای شرقی و به‌دنبال آن تعلیق پیمان سلاح‌های متعارف، استقرار سیستم نوین دفاع ضدراکتی در سن‌پترزبورگ، اعلام غیرمنتظره جهت‌گیری مجدد راکت‌های هسته‌ای مسکو به سمت اروپا پیش از برگزاری نشست سران گروه هشت در آلمان و اعلام از شروع برنامه گشت زنی هواپیماهای دور پرواز هسته‌ای این کشور، از قبیل موضوعات کلیدی در این دوره و نشانه‌هایی از تقلای مقامات مسکو برای رشد و ارتقاء موقعیت خود در صحنه نظام بین‌الملل بوده است (نوری، ۱۳۸۷: ۸۵۹).

۴-۵- بحران اوکراین و تحریم‌های غرب

اوکراین استقلال خود از اتحاد جماهیر شوروی را در ۲۴ اوت ۱۹۹۱ اعلام داشت. در برابر افزایش جنبش‌های ملی‌گرایانه در اوکراین، ساکنان روس آن نیز برای ملحق شدن به مناطق شرقی اوکراین به کشور روسیه تمایل نشان دادند. مقامات آمریکایی بعد از اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی، بدنبال گسترش نفوذ اتحادیه اروپا و ناتو به کشورهای بلوک شرق چون مجارستان، لهستان، چک و کشورهای بالتیک بودند. در این بین، آخرین منطقه حائل با روسیه، اوکراین و بلاروس محسوب می‌شد. به علت نفوذ تاریخی روسیه در اوکراین و نیز وجود روس‌تبارها در آن، مقامات آمریکا و اروپا برای افزایش نقش و نفوذ در این کشور اقدام می‌کرده‌اند که با واکنش تند مقامات روسیه مواجه می‌شد (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۸: ۱۹). همچنین، مقامات سیاسی و امنیتی روسیه نسبت به افزایش حضور ناتو و گسترش نیروی نظامی در مناطق همجوار بخصوص در کشور اوکراین نگران بوده و آن را غیرقابل قبول می‌دانستند (Neuger, 2014). در نهایت، حساسیت و نگرانی مقامات روسیه با اقداماتی همچون پیشنهاد ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۸ جهت پیوستن اوکراین به ناتو در راستای ادغام کشور مذکور در بخش نظامی اروپا و نیز اقدامات بروکسل در جهت عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا به منظور یکپارچگی این کشور در بخش اقتصادی اروپا به اوج خود رسید (دهشیار، ۱۳۹۳: ۸۴).

ایالات متحده آمریکا همان‌طور که در انقلاب رنگی اوکراین در سال ۲۰۰۴ به مثابه حامی جناح ضد روسیه، توانست دولت حامی غرب و مخالف با مسکو را به قدرت برساند، در تحولات سیاسی اوکراین در سال ۲۰۱۴ نیز به صراحت از اعتراضات در این کشور و سقوط دولت یانوکویچ حمایت کرد. جان مک کین، سناتور آمریکایی با مقامات حکومت و معترضان در اوکراین در سال ۲۰۱۳ دیدار کرد و در جمع معترضان در میدان اصلی کی‌یف حضور پیدا کرد. در این دیدار با هدف برکناری حکومت از قدرت انجام می‌گرفت. همچنین، مک کین به‌طور آشکار اعلام کرد که به اعتراضات مردم اوکراین که برای ترویج دموکراسی در کشورشان انجام می‌گیرد بسیار افتخار می‌کند (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۸: ۲۰). در مقابل این اقدام آمریکا، روسیه نیز از دولت یانوکویچ حمایت کرد، استفاده از ابزارهای مالی و اقتصادی به خصوص خودداری از افزایش قیمت گاز صادراتی به اوکراین و مساعدت ولادیمیر پوتین با اعطای وام ۱۵ میلیارد دلاری

در جهت بالابردن توان دولت ویکتور یانوکویچ خود گواه این امر می‌باشد که روس‌ها تمام کوشش خود را برای ممانعت از سقوط دولت و حرکت به سمت غرب به ویژه آمریکا از طریق تقویت دولت‌های روس گرا و کاستن گرایش‌های اروپاگرا در کی‌یف به کار گرفته بود (Goldsmith: 2005؛ دهشمار، ۱۳۹۳: ۹۳). ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپایی‌اش تلاش کرده‌اند کشور روسیه را از طریق اخراج از G8، اعمال یک سری تحریم‌های اقتصادی، تشدید تهدیدات نظامی و متشنج کردن اتحاد شرق، به انزوا کشانده و به مقابله با آن پردازند (Smith & Twardowski: 2017: 4). در سال ۲۰۱۹ ولادیمیر زلنسکی به عنوان رئیس‌جمهور اوکراین انتخاب شد. سپتامبر ۲۰۲۰، زلنسکی یک استراتژی امنیت ملی جدید را تصویب کرد که عضویت در ناتو را به عنوان یکی از اهداف کلیدی دفاعی و سیاست خارجی اوکراین معرفی کرد. بین اکتبر و نوامبر ۲۰۲۱، روسیه تجمع گسترده نیروها و تجهیزات نظامی را در امتداد مرز خود با اوکراین آغاز کرد. تا فوریه ۲۰۲۲، تحلیلگران دفاعی غربی تخمین زدند که ۱۹۰۰۰۰ سرباز روسی در حال محاصره اوکراین هستند و هشدار دادند که حمله روسیه قریب الوقوع است، اما پوتین این اتهامات را رد کرد تا این که در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، روسیه تهاجم تمام عیار به اوکراین را آغاز کرد. در سرتاسر جهان، رهبران کشورها این حمله را محکوم کردند و وعده تحریم‌های سریع و شدید علیه روسیه دادند. زلنسکی اعلام حکومت نظامی کرد و خواستار بسیج عمومی جمعیت نظامی اوکراین شد. غرب نیز نسبت به این حمله واکنش داد و میلیاردها دلار کمک نظامی به اوکراین ارائه نمود (Ray, 2022).

۴-۶- سیاست خارجی آمریکا در دوره دونالد ترامپ در قبال روسیه

از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به ریاست جمهوری آمریکا سیاست یک‌جانبه‌گرایی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داد. ترامپ «آمریکا اول» را به عنوان جهت‌گیری مهمی دانست برای اینکه آمریکا را مجدداً قدرتمند سازد که این امر مستلزم تأکید فزاینده آمریکاگرایی در برابر جهان‌گرایی بوده است (Zhu & Wang: 2020: 443). در پاییز ۲۰۱۷ در ایالات متحده آمریکا زرمه‌هایی مبنی بر عدم کارایی تحریم‌ها بر اقتصاد روسیه و متضرر

1. America First

شدن منافع اقتصادی آمریکا از عدم حضور در طرح‌های اقتصادی داخلی روسیه به‌عنوان یکی از جدی‌ترین مسائل در روند تحریم‌ها محسوب می‌شدند (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۸: ۳۶). اما این سبب نشد که تحریم‌ها تداوم پیدا نکند به‌گونه‌ای که در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ تحریم‌ها به اوج خود می‌رسد. دونالد ترامپ در سخنرانی سالانه در کنگره ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۸، به مسئله تهدیدات علیه آمریکا اشاره کرد و گفت: «ما در جهان کنونی با رژیم‌های سرکش، گروه‌های تروریستی و رقبایی مانند روسیه و چین مواجه هستیم که چالش و تهدیدی برای اقتصاد و ارزش‌هایمان ایجاد کرده‌اند» (Korobkov, 2019: 50). در کنار آن دستور ترامپ به گسترش زرادخانه هسته‌ای و ابراز نارضایتی او از پیمان استارت جدید، به تقابل تسلیحاتی به سبک جنگ سرد میان مسکو و واشنگتن انجامیده بود. درخصوص پیمان استارت جدید در سال ۲۰۱۷، رئیس‌جمهور وقت ترامپ در تماس تلفنی به پوتین گفت که از منظر او معاهده استارت جدید به وضوح به نفع روسیه می‌باشد و یکی از بدترین توافق‌نامه‌هایی است که توسط دولت او با مذاکره شده است (Shaolei, 2021). تصمیم وزارتخانه خزانه‌داری آمریکا مبنی بر اعلام فهرست تحریم کرملین را می‌توان نمایانگر اوج اختلافات آمریکا و روسیه در دوران ریاست جمهوری ترامپ به حساب آورد. تحریم ۱۱۴ مقام دولتی روسیه و ۹۶ نفر از نخبگان اقتصادی، تجاری و با نفوذ کشور توسط وزارتخانه مزبور آمریکا در ۳۰ ژانویه سال ۲۰۱۸ از جمله مهم‌ترین موارد قابل توجه در تعاملات دو طرف به شمار می‌رفت. این تحریم‌ها از آن جهت دارای اهمیت فزاینده بود که برای اولین بار در تاریخ روابط دو کشور افرادی هم‌چون نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه، سخنگوی کرملین، بسیاری از اعضای سرشناس کابینه و دوما و روسای شرکت‌های بزرگ و قدرتمند نفتی را شامل می‌شد. همچنین، واقعه مسمومیت سرگئی اسکریپال جاسوس دوجانبه روسی در منطقه سالزبری لندن در ۴ مارس سال ۲۰۱۸ موجب شد تا با پیشنهاد شورای امنیت ملی آمریکا و در راستای حمایت از موضع دولت انگلیس، دونالد ترامپ فرمان اخراج ۶۰ دیپلمات روسی و تعطیل شدن کنسولگری روسیه در سیاتل را صادر کرد و در سال ۲۰۱۹ بار دیگر از سوی دولت ترامپ فشارها و سختگیری‌ها نسبت به روسیه تشدید شد (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۸: ۴۰).

۴-۷- سیاست خارجی آمریکا در دوره جو بایدن در قبال روسیه

جو بایدن کهنه‌کار از حزب دموکرات در انتخابات حساس ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا در برابر ترامپ پیروز شد. بایدن معاون رئیس‌جمهور باراک اوباما بوده و به امور سیاسی برخلاف ترامپ آشنایی داشته است. در سیاست خارجی بایدن نگرانی نسبت به قدرت و نفوذ روسیه کاملاً آشکار بوده است. سیاست خارجی دولت جو بایدن برخلاف دولت دونالد ترامپ سیاست یک‌جانبه‌گرایی نیست، بلکه نوعی سیاست خارجی چندجانبه‌گرایی و همکاری با هم‌پیمانانش را سرلوحه کار خویش قرار داده است. بایدن برخلاف ترامپ از متحدان آمریکا در ناتو و اتحادیه اروپا برای مقابله با روسیه بهره برده است (Garment & Belo: 2021, 1). از همان ابتدای ریاست جمهوری بایدن مسائلی در روابط آمریکا و روسیه مدنظر قرار گرفته شد که به آنان اشاره می‌شود:

- ۱- دخالت در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰: دولت روسیه مانند سال ۲۰۱۶ متهم به نفوذ و مداخله در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ شده است؛
- ۲- دموکراسی و حقوق بشر روسیه: بایدن و حزب دموکرات نسبت به ساختار سیاسی مسکو و نقض حقوق بشر توسط پوتین معترض می‌باشند؛
- ۳- اوکراین و بلاروس: بایدن از منتقدین جدی روسیه در اوکراین است وی از جمله افرادی است که نسبت به سرکوب‌های داخلی در بلاروس انتقاد دارد (پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۹).
- ۴- تحریم‌های اقتصادی مسکو: جو بایدن ضمن عدم تمایل به کنار گذاشتن تحریم‌ها باشد روسیه، درسختانی تحریم‌های بیشتر نسبت به سال ۲۰۱۴ بر علیه این کشور را مطرح نمود. در روزهای بعد از حمله روسیه به اوکراین در اواخر فوریه سال ۲۰۲۲، جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده، مجموعه‌ای از بسته‌های تحریمی را با همکاری متحدان خود تشریح نمود که صنعت تسلیحات روسیه، بانک‌ها، دارایی‌های خارجی، صادرات فناوری، شرکت‌های انرژی و تجار ثروتمند این کشور را هدف قرار داد. مراد از این اقدامات این بود که، رژیم تحریم‌های شدید نه تنها مانع از رشد توانایی‌های روسیه شود، بلکه حمایت نخبگان سیاسی این کشور را چنان متزلزل سازد که رژیم تکنوکراتیک پوتین از بین برود (رضوان‌پور، ۱۴۰۲).

۵- پروژه گازی نورد استریم ۲: از جمله مخالفان کلیدی پروژه گازی نورد استریم ۲ می‌باشد که از سال ۲۰۱۵ شروع شده بود دلیل عمده مخالفت وی این است که او کراین را دور می‌زند و این کشور را از هزینه‌های سودآور مربوط به حمل و نقل و محروم می‌کند؛

۶- کنترل تسلیحات: رئیس‌جمهور بایدن تمدید معاهده نیو استارت ۲ را با مسکو امضا کرده است. با این حال اعتقاد بر این است که این بدان معنا نیست که کنترل تسلیحاتی دوجانبه واشنگتن و مسکو تحت نظر بایدن آینده روشنی خواهد داشت، بلکه مذاکره و تصویب هرگونه توافق‌نامه‌هایی فراتر از نیواستارت به طور خاص از طرف آمریکا بسیار دشوار خواهد بود؛

۷- پیوستن گرجستان به ناتو: پیش از سال ۲۰۰۸ عضویت گرجستان به ناتو مطرح بود؛ اما حمله نظامی روسیه به این کشور این روند را تشدید کرد. پس از سال ۲۰۰۸ نیز اقدامات دولت روسیه از جمله مرزبندی، تحریم، گذرنامه و حملات سایبری جنگ ترکیبی علیه گرجستان انجام شده است حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۱۴ و نظامی شدن دریای سیاه ناامنی گرجستان را بسیار تشریح کرد در این خصوص دولت بایدن به دنبال تسهیل عضویت گرجستان به ناتو است؛

۸- بحران قره باغ: در زمان جنگ ما بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در دوره ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا بسیار منفعل بود و صحنه در دستان روسیه بود؛ اما دولت بایدن باور داشته سیاست خارجی ترامپ اشتباه بوده و آمریکا می‌بایستی نقش فعال‌تری در بحران مزبور ایفا نماید (پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۹).

سیاست خارجی بایدن در خصوص اوکراین، سبب تنش در روابط واشنگتن و مسکو بوده که این امر مورد انتقاد واقع شده است. مرشایمر استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو در سخنانی به نقش آمریکا در بحران اوکراین را مورد تحلیل قرار داده است. وی باور دارد که آمریکا و هم‌پیمانانش در ناتو نقش کلیدی در روند تحولاتی که به جنگ اوکراین کشیده شده است دارند، آمریکا مسئول بحران در اوکراین است. آمریکا سیاست‌هایی در قبال اوکراین در پیش گرفت که پوتین آن را تهدید وجودی برای کشورش متصور گشت. سیاست آمریکایی‌ها جهت کشاندن پای اوکراین به ناتو، سبب نفوذ غرب به مرزهای روسیه می‌گشت که رئیس‌جمهور فعلی آمریکا

تمایلی به حذف این تهدید از راه دیپلماسی نداشت. بایدن اعلام کرد که مصمم به عضویت اوکراین در ناتو است. نگرانی روسیه بابت افزایش نفوذ آمریکا به مرزهای روسیه عاملی شد تا روسیه به اوکراین حمله نظامی انجام دهد. آمریکا با دو برابر کردن فشارها به مسکو به دنبال عقب نشینی نیروهای نظامی روسیه در اوکراین است. بایدن تمایلی برای به کارگیری ابزار دیپلماسی برای حل بحران اوکراین ندارد. با توجه به خطر تشدید جنگ و کشیده شدن ناتو به نبرد برخی‌ها احتمال استفاده از جنگ‌افزار هسته‌ای را گوشزد نموده‌اند (Mearsheimer, 2022).

۵- روابط آمریکا و چین

قبل از سال ۱۹۷۲ روابط چین و آمریکا در تنش قرار داشت و چین به دلیل باورهای کمونیستی در مقابل باورهای آمریکایی قرار داشت. اما در سال ۱۹۷۲ دو کشور به سمت برقراری ارتباط پیش رفتند. در ۲۱ فوریه سال ۱۹۷۲ میلادی تحول شگرفی در روابط خارجی ایالات متحده و چین پدیدار شد که نتیجه سفر رئیس‌جمهور آمریکا ریچارد نیکسون به چین و ملاقات او با مائو و چوئن لای بود. به عقیده کیسینجر، تماس‌های دیپلماتیک نیکسون و مائو در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲، نه به سبب سازگاری بیشتر ایدئولوژی‌های دو کشور با یکدیگر، بلکه به علت ضرورت‌های ژئوپولیتیکی، از سر گرفته شده بود. سفر نیکسون به چین با امضاء «اعلامیه شانگهای» بین وی و چوئن لای به پایان رسید. آگاهی مقامات دو کشور نسبت به خطر و تهدید مشترکی که از جانب شوروی احساس می‌کردند، عاملی بود که موجب نزدیکی دو کشور گشته بود (طاهری امین، ۱۳۷۰: ۱۲۱-۱۸۰؛ خانی و مسرور، ۱۳۹۶: ۱۶۶). تا سال ۲۰۰۹ و آغاز دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، که می‌توان این دوره را اوج همزیستی و همکاری دو کشور با کمترین تنش و منازعه از آن یاد نمود؛ اما با شروع کار دولت اوباما و به‌طور خاص از سال ۲۰۱۱ تاکنون که رقابت و تقابل بین این دو دولت پررنگ شده است. بر اساس آمار، در طول دهه‌های گذشته، کشور از رشد اقتصادی بالایی تجربه کرده است آن‌چنان که در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ زمانی که آمریکا با بحران اقتصادی شدیدی مواجه بود، کشور چین کماکان از اقتصاد روبه رشد بهره‌مند بود (At the Double, 2014؛ وثوقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶). در اولین روز نشست کنگره خلق، چین بودجه نظامی سال ۲۰۱۴ را ۱۳۲ میلیارد دلاری اعلام نمود که نسبت به قبل ۱۲.۲ افزایش داشته است این

در حالی است که پنتاگون اعلان نمود که هزینه‌های نظامی این کشور کاهش پیدا کرد (Economist, 2014). رشد بودجه نظامی چین را می‌توان ناشی از رشد اقتصادی بالای این کشور دانست که این امر سبب نگرانی آمریکا می‌شود. چین در تلاش است تا بر نفوذ و قدرت خود را در حوزه شرق آسیا افزایش بیافزاید این در حالی می‌باشد که آمریکا یک وزنه‌ی تعادل با چین ایجاد نموده تا از رشد قدرت نظامی و اقتصادی این کشور درحوزه شرق آسیا ممانعت به عمل آورد (Stamman, 2020: 18).

۵-۱- مسئله تایوان

یکی از مهم‌ترین درگیری‌های میان آمریکا و چین، مسئله تایوان است. در ۲۵ اکتبر ۱۹۴۵ جزیره تایوان پس از شکست ژاپن در جنگ دوم جهانی به دولت چین ملی واگذار شد. شورش عمومی حزب کمونیست چین در سال ۱۹۴۹ سبب اخراج این دولت (بدون استعفا) و متواری گشتن آن‌ها به تایوان گردید. ملی‌گرایان به رهبری چیان کای شک و با کمک و حمایت همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا، جزیره تایوان را به تصرف خود درآوردند (حیدری، ۱۳۸۹: ۴۲۹).

تایوان برای چین یک مسئله امنیتی به شمار می‌رود. چین، تایوان را خط قرمز خود می‌داند و از هرگونه جدایی و استقلال آن از چین به شدت مخالفت می‌نماید و از چین واحد حمایت می‌کند. این در حالی است که آمریکا بر جدایی و استقلال تایوان از چین تاکید می‌کند و روابط خود را با مقامات تایوان مستحکم کرده است. حتی آمریکا برای مقابله با چین و قدرت فزاینده آن از مسئله تایوان به عنوان اهرم فشار استفاده می‌نماید حمایت نظامی و فروش تسلیحات پیشرفته نظامی به تایوان از جمله اقدامات مقامات آمریکا به منظور فشار و ضربه زدن بر علیه پکن است که با واکنش شدید مقامات چینی مواجه شده است (Goldstein, 2001). در این باره ژنرال چینی فانگ فنگ هوی در اجلاسی که در سال ۲۰۱۴ در واشنگتن برگزار شده بود به این موضوع اشاره کرد و بیان کرد که چین تحت هیچ شرایطی از سرزمین تاریخی و تمامیت ارضی خود دست بر نمی‌دارد و از چین واحد دفاع می‌کند و از هر اقدامی که برای دفاع از حاکمیت چین لازم باشد انجام می‌دهد. همچنین، مقامات چینی بارها در خصوص مسئله جدایی و استقلال جزیره تایوان از چین به مقامات غربی هشدار داده‌اند که هرگونه رفتار و اقدامی که باعث تحریک در روند جدایی

تایوان از چین شود را با شدت پاسخ خواهند داد و استفاده از گزینه نظامی در این مورد خاص دور از انتظار نخواهد بود (<http://thediplomat.com>, 2014؛ شامیری شکفتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۲-۴۱). در سال‌های اخیر نیز دخالت‌های آمریکا در تایوان بیش از قبل تداوم داشته که با واکنش مقامات چینی روبرو گشت. مائو نینگ سخنگوی وزارت خارجه چین به آمریکا هشدار داد که برقراری ارتباط رسمی با تایوان و همچنین دخالت در انتخابات این جزیره را پایان بدهد. چین همواره با هرگونه تعاملات رسمی بین آمریکا و تایوان قویاً مخالف بوده است. اعضای کنگره آمریکا هم باید از اصل چین واحد تبعیت کرده و بندهای تفاهمنامه‌های مشترک آمریکا-چین را به رسمیت بشناسند. آمریکایی‌ها باید اقدامات سنجیده درخصوص مسئله تایوان انجام داده، تعاملات رسمی با تایوان را متوقف کرده، سیگنال‌های اشتباه به نیروهای جدایی‌طلب تایوان را قطع نموده و هر شکلی از دخالت در انتخابات تایوان را پایان بدهند (رجانیوز، ۱۴۰۲).

۲-۵- رشد قدرت اقتصادی و نظامی چین

چین یکی از قدرت‌های بزرگ نوظهور است. از نظر اقتصادی آغاز رشد پرشتاب اقتصاد چین را با اجرایی شدن اصلاحات دنگ شیائوپینگ در ۱۹۷۸ مرتبط دانسته‌اند. چین بعد از شروع اصلاحات که از تجدید نظرطلبی با هدف‌های نامحدود به نظم و نظام بین‌المللی، به تجدید نظرطلبی با هدف‌های محدود تغییر یافت، رشد از حیث اقتصادی را دارا بوده است. از مجموع ۲۲٫۸ تریلیون دلار تولید ناخالص جهان در سال ۱۹۹۲ میلادی، ۲ درصد از آن به کشور چین تعلق یافت. از مجموع ۷۴٫۶ تریلیون دلار تولید ناخالص جهان در سال ۲۰۱۵ میلادی، سهم چین ۱۵ درصد از آن بوده است. چنانچه رشد اقتصادی چین با نرخ سال ۲۰۱۵ ادامه پیدا نماید، تا سال ۲۰۲۶ تولید ناخالص ملی چین از تولید ناخالص ملی آمریکا سبقت گرفته و این کشور به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل می‌گردد (۱۳۷: ۲۰۱۵؛ Santasombat، جانسیز و بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۱۸-۱۱۹). به‌گونه‌ای که آینده اقتصادی چین یک موضوع مهم برای همه جهان باقی مانده است (Sen: 2010، 20).

رشد تولید ناخالص داخلی این کشور و اشغال جایگاه آمریکا در آینده، باعث نگرانی استراتژیک مقامات آمریکا شده است. به نظر پنتاگون پکن خودش را به‌عنوان قدرت در حال

توسعه تلقی می‌کند و منابع طبیعی، نیروی انسانی، نیروی نظامی دارای توان هسته‌ای و عضویت در شورای امنیت سازمان ملل و رشد اقتصادی فزاینده، به آن ویژگی‌های قدرت برتر را اعطا می‌کنند. رهبر چین معتقد است، با عنایت به روند کنونی، چین حداکثر تا سال ۲۰۲۵ به قدرت بزرگ تبدیل خواهد شد. چین می‌خواهد به قدرت اصلی در منطقه کلیدی آسیا تبدیل شود، این بدان منزله است که سایر قدرت‌های بزرگ نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن منافع چین اقدامی در آسیا انجام دهند (هالپر و کلارک، ۱۳۹۵: ۲۳۳-۲۳۴). جایگاه کشور پکن در نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نسبتاً مطلوب است. چین عضو همه سازمان‌های منطقه‌ای مهم بوده و جایگاه راهبردی در نظام بین‌الملل دارد. پکن عضو سازمان تجارت جهانی و گروه ۲۰ بوده و نقش کلیدی خود در حفظ نظم اقتصاد لیبرال را گسترش داده است (اسچموکر و گنات، ۲۰۱۰: ۹-۱۰؛ جعفری و رسول پور نالکیاشری، ۱۴۰۱: ۵۹).

چین به لحاظ نظامی از رشد فزاینده‌ای برخوردار بوده است. چین جهت مواجهه با تهدیدات داخلی و خارجی تاکید بسیاری بر دکترین دفاعی فعال و بهبود قابلیت‌های بازدارندگی راهبردی جهت ممانعت از جنگ داشته و همچنین چینی‌ها برای ارتقای توانایی نظامی‌شان به نوسازی در حوزه‌های تسلیحات هسته‌ای، متعارف دریایی، فضایی و سایبری اقدام نمودند. از نظر تعداد نیروهای نظامی چین در رده اول و به لحاظ نیروی هوایی و دریایی در رده سوم جهانی قرار دارد. کشور چین از نظر هزینه نظامی بعد از آمریکا در رتبه دوم جهان قرار گرفته است (Shambaugh, 2013: 164؛ شامیری شکفتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۹-۴۰). برد موشک‌های دوربرد چین بیش از ۱۳ هزار کیلومتر است به علاوه بزرگ‌ترین نیروی هوایی در آسیا و سومین در جهان متعلق به کشور چین است و بیش از ۲۷۰۰ هواپیمای بدون سرنشین و جنگی را دربرمی‌گیرد (پورنجفی و شریعتی، ۱۳۹۴: ۱۵۵؛ شامیری شکفتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۹-۴۰). قدرت موشکی متعارف کشور چین بیش از ۲۲۰۰ موشک بالستیک و کروز تخمین زده می‌شود که بزرگ‌ترین نیروی موشکی جهان محسوب می‌شود. چین بیش از ۱۰۰۰ موشک در برد تایوان که هدف اصلی راهبردی نظامی این کشور است، مستقر کرده است. سرگرد «کریستوفر میهال» افسر اتمی و ضد سلاح‌های کشتار جمعی آمریکا گفت که علاوه بر اعداد، دقت برخی از موشک‌های چینی تا ۸۰۰ درصد افزایش یافته است (فرارو، ۱۴۰۲).

۵-۳- سیاست خارجی آمریکا در دوره دونالد ترامپ در قبال چین

رشد رو به بالای قدرت اقتصادی و نظامی چین و رقابت و تقابل این کشور با قطب اول اقتصادی جهان یعنی آمریکا و تسلط بر جایگاه اول اقتصاد جهان در آینده به جای آمریکا موضوعی بوده که ترامپ پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری نسبت به آن واکنش نشان داد و درصد بود تا جلوی رشد قدرت چین را متوقف سازد (Nordin & Weissmann, 2018). به طوری که اوج نگرانی از رشد اقتصادی و توانایی نظامی چین در دوران ریاست جمهوری ترامپ رقم خورد. دونالد ترامپ معتقد بود ما در منطقه خاورمیانه میلیاردها دلار هزینه کرده‌ایم، اما چین بدون صرف هزینه از آن بهره برده و رشد اقتصاد خود را به پیش برده است. بنابراین، جنگ اقتصادی را با چین شروع می‌کند که شامل اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی بود. تمام سعی و تقلا دونالد ترامپ علیه چین این بوده که رشد مستمر اقتصادی این کشور را مهار کند، به این هدف که با اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی از توسعه اقتصادی پکن بکاهد (Koyama, 2019).

در طول سال ۲۰۱۸، ترامپ برای کالاها و اجناس چینی به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار تعرفه‌هایی در نظر گرفت. به علاوه، آمریکا تعرفه گزافی بر روی تمام فولاد وارداتی اعمال کرد که سایر شرکای اصلی تجاری آمریکا را عصبانی کرده است. این امر با هدف جبران کسری تجاری با پکن صورت پذیرفت تا این کشور را وادار به خرید کالاهای آمریکایی بیشتر کند؛ اما چین با اضافه کردن به تعرفه‌های خود بر واردات از ایالات متحده آمریکا پاسخ محکم و شدیدی داد (Vox, 2019؛ کیوان حسینی و سینا نورانی، ۱۳۹۸: ۳۴۱). البته شدت اعمال تعرفه بر کالاهای وارداتی دو دولت در سال ۲۰۱۹ بیشتر شده بود و به مرز ۴۵۰ میلیارد دلار رسید (Fajgelbaum & Other, 2021). جنگ اقتصادی آمریکا و چین تأثیر شدید خود را بر روابط سیاسی بین دو دولت گذاشت. به طوری که آمریکا کنسولگری چین در شهر هیوستون را بست و در مقابل چین نیز کنسولگری آمریکا در چنگدو را تعطیل کرد. همچنین، شیوع ویروس کرونا و متهم کردن دو طرف به یکدیگر نسبت به انتشار آن، به علاوه فروش تسلیحات نظامی پیشرفته آمریکا به تایوان موجب افزایش تنش در روابط دو کشور گشت. به گونه‌ای که ترامپ حتی اعلام کرده بود که در آینده ممکن است روابط سیاسی آمریکا و چین قطع شود.

۵-۴- سیاست خارجی آمریکا در دوره جو بایدن در قبال چین

رئیس‌جمهور بایدن همانند ترامپ نسبت به رشد قدرت اقتصادی و نظامی پکن نگران بوده و در صدد متوقف ساختن آن می‌باشد. سیاست بایدن در قبال چین بهره‌گیری از ابزارهای نرم و سخت افزاری بوده است و برای توقف رشد چین از هر دو ابزار استفاده می‌کند و تنها به یک ابزار متکی نیست.

سیاست خارجی بایدن علیه پکن بر سه محور کلیدی و مهم استوار بوده است: اول) همکاری: رئیس‌جمهور بایدن به دنبال همکاری در حوزه‌های خاص با پکن است. چون باور دارد بدون همکاری با این کشور حفظ هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل و جلوگیری از ظهور پکن به عنوان قدرت هژمونی برآمده امکان‌پذیر نیست. مصداق عینی آن همکاری دو دولت در کنفرانس بین‌المللی تغییرات آب و هوایی می‌باشد. دوم) رقابت: تیم بایدن بر این عقیده می‌باشد که می‌بایستی در حوزه‌هایی نظیر تکنولوژی، نظامی، فناوری و... با پکن وارد رقابت شوند و به این کشور اجازه ندهند که از آمریکا سبقت بگیرد. سوم) تنش و برخورد: برخورد با دولت چین در مسائل راهبردی چون تایوان، هنگ‌کنگ، دریای جنوبی چین، مباحث حقوق بشری نظیر مسلمانان ایغور است که در افزایش تنش در روابط دو کشور بسیار تاثیر گذار بودند (سجادپور، ۱۴۰۰). با این وجود مهم‌ترین مسئله‌ای که در روابط میان آمریکا و چین در دولت بایدن تنش‌زا بوده، مسئله اشغال تایوان است، رئیس‌جمهور بایدن همانند سایر رؤسای جمهور سابق ایالات متحده آمریکا از استقلال تایوان حمایت می‌نماید. او همچنین رویکرد مشابهی را اتخاذ کرده است و به فروش تسلیحات به تایوان ادامه می‌دهد و تصمیم دولت ترامپ برای اجازه دادن به مقامات آمریکایی برای ملاقات آزادانه با مقامات تایوانی را تأیید می‌کند. بایدن اولین رئیس‌جمهور آمریکا بود که از نمایندگان تایوان برای شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری دعوت کرد (Maizland, 2023). همچنین، سفر نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان باعث شد چین رزمایش نظامی در کنار مرز تایوان برگزار نماید.

۶- همکاری‌های روسیه و چین در برابر آمریکا

سطح همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه و چین به ویژه در سال‌های اخیر که تهدیدات ایالات متحده آمریکا افزایش پیدا کرده، بیشتر شده است. در این خصوص برژینسکی قبل از مرگش در سال ۲۰۱۷ هشدار داده بود که در تحلیل تهدیدات علیه امنیت ایالات متحده آمریکا، خطرناک‌ترین سناریو ائتلاف چین و روسیه است، نه با ایدئولوژی بلکه با نارضایتی‌های مکمل. از نظر مقیاس یادآور چالشی است که بلوک چین و شوروی ایجاد کرده بود گرچه این بار چین احتمالاً رهبر و روسیه پیرو خواهد بود (Allison, 2018). بنابراین، ضروری است به چند مورد از همکاری‌های استراتژیک دو دولت مزبور در مقابله با سیاست‌های آمریکا در نظام بین‌الملل اشاره شود.

همکاری اقتصادی: فضای همکاری‌های متقابل اقتصادی میان روسیه و چین در دهه‌های گذشته فراهم بوده است. از سال ۲۰۰۹ پکن به عنوان شریک برتر تجاری مسکو شناخته شده است. در سال ۲۰۱۸ برای اولین بار تجارت دو دولت از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار فراتر رفته و به ۱۰۷ میلیارد دلار رسید که ۱۵ درصد صادرات و واردات روسیه را تشکیل می‌داد. بعد از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ که مسکو شاهد کاهش صادرات و واردات با شرکای تجاری خود بود، اما سبب کاهش در تجارت دو دولت نشد (Luckin, 2020: 3؛ صفری و رادگودرزی، ۱۴۰۰: ۲۸۸). هم‌چنین، در حوزه انرژی روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده انرژی و چین به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان بشمار می‌روند. بر این اساس، در حوزه انرژی ظرفیت بالایی برای همکاری و همراهی میان دو دولت وجود دارد (Stocking & Dinan, 2015؛ سجادپور و خلیلی، ۱۳۹۷: ۹). به‌طوری که با حمله نظامی روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ و اعمال تحریم‌های همه‌جانبه غرب علیه این کشور، چینی‌ها همچنان به خرید انرژی از روسیه تداوم دادند. هر دو دولت به دنبال چارچوب مالی جدیدی با هدف کاهش وابستگی به دلار و موسسات مالی غربی هستند. بنابراین، سعی دارند از طریق راه‌های مختلف، ارزهای ملی خود را در مناسبات بین‌المللی گسترش نمایند. هر دو دولت سیستم‌های پرداخت ملی خود، سیستم پرداخت بین بانکی فرامرزی (چین) و سیستم

انتقال پیام های مالی (روسیه) را به منظور مهار تحریم‌های غرب ایجاد کرده‌اند (2021 Cong)؛ صفری و رادگودرزی، ۱۴۰۰: ۲۸۹-۲۸۸).

همکاری نظامی: همکاری روسیه و چین در زمینه نظامی به واسطه تهدیدات فزاینده آمریکا گسترش پیدا کرده است. پکن اصلی‌ترین خواهان و خریدار تسلیحات روسیه می‌باشد و نقش کلیدی در پایداری فعالیت صنایع نظامی این کشور ایفا می‌نماید. از سال ۱۹۸۹ میلادی تحریم تسلیحاتی از جانب غرب از یک سوی و نیاز به افزایش قدرت نظامی خود از سوی دیگر، اهمیت این تبادلات را افزایش داده است. چین در سال‌های گذشته در صدد بوده قدرت و توان نظامی خود را افزایش دهد. روسیه به طور جدی نیازمند به بازار پکن می‌باشد تا در سایه آن بتواند سهم خویش را در بازارهای جهانی تسلیحات که بسیار رقابت آمیز می‌باشد حفظ نماید. براساس آنچه آمارها نشان می‌دهد، ۹۵ درصد از تسلیحات نظامی پیشرفته مورد نیاز چین از روسیه تأمین می‌شود و مشارکت نزدیک و تنگاتنگی با این کشور در حیطه‌های فنی و تکنیکی و لجستیک دارد. به‌خصوص برگزاری رزمایش مشترک دو دولت در سال‌های گذشته نشان‌دهنده قدرت و توان نظامی آنها با هدف مقابله با آمریکا می‌باشد که قصد ایجاد آشوب در منطقه را دارد (2012Chinadaily؛ حسینی و شاهنده، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

همکاری در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی: همکاری دو دولت روسیه و چین در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی فرصت مناسبی برای مقابله با تهدیدات فزاینده آمریکا می‌باشد. در این زمینه همکاری دو دولت به‌ویژه در سازمان بریکس حائز اهمیت است. به بیان دیگر، جلسات بریکس فرصت مناسبی برای مسکو و پکن در زمینه‌های گوناگون پیش از تصمیم‌گیری و اقدام در نهادهای بین‌المللی همانند، صندوق بین‌المللی پول سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی فراهم کرده است (2018: 184Chakraborty؛ صفری و رادگودرزی، ۱۴۰۰: ۲۸۷). همچنین، دو کشور در سازمان ملل متحد به طور خاص در رکن شورای امنیت همکاری‌هایی با یک‌دیگر داشته‌اند هر دو کشور مزبور عضو دائمی شورای امنیت هستند و حق وتو دارند و در برخی از موارد در مقابله با قطعنامه‌های پیشنهادی آمریکا و متحدان این کشور به اتخاذ رأی مشترک روی آورده‌اند.

همکاری در حوزه آسیای مرکزی: کشورهای روسیه و چین مخالف هرگونه افزایش نقش و نفوذ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی هستند. همین امر شرایط را برای همکاری دو دولت در برابر سیاست‌های آمریکا در آسیای مرکزی فراهم کرده است (Bossuyt & Kaczmarek, 2022, 544). سازمان همکاری شانگهای به عنوان اشتراک منافع دو دولت در آسیای مرکزی است. این سازمان توانسته در مقابل سیاست و رفتارهای یک‌جانبه آمریکا در منطقه و سطح بین‌الملل به مثابه یک سازوکار تعدیل‌کننده عمل نماید (حاجی یوسفی و الوند، ۱۳۸۷: ۱۷۷؛ یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۱). به طوری که در سال ۲۰۰۵ میلادی در اعلامیه پایانی اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای بر تعیین جدول زمانی جهت خروج نیروهای آمریکایی از این منطقه اشاره شده بود (حسینی و شاهنده، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

همکاری در اوراسیا: روسیه و چین نسبت به افزایش نقش و نفوذ آمریکا در منطقه اوراسیا مخالفت دارند. روسیه توانسته قدرت و نفوذ خود را در منطقه اوراسیا حفظ نماید و چین هم بالاخص در سال‌های اخیر موفق شده است نفوذ بالایی در منطقه به پشتوانه اقتصاد پویا و قدرتمند خود داشته باشد. این دو کشور توانسته‌اند اتحادیه‌های منطقه‌ای در زمینه اقتصادی و سیاسی که شرایط و زمینه‌ی مناسب و مطلوب در راستای شکل‌گیری یک منطقه امنیتی یکپارچه را دارد، مهیا کنند. امروزه روسیه و چین اعلام می‌دارند که به دنبال ایجاد یک همکاری استراتژیک در خصوص مسائل امنیتی، سیاسی و اقتصادی در آسیا به کمک کشورهای همجوار و پیرامونی این منطقه نیازمندند که بارزترین خصیصه آن را می‌توان ضدیت این همکاری منطقه‌ای با نقش و نفوذ فزاینده آمریکا در منطقه اوراسیا دانست (Akimoto & Yamazoe, 2018: 149؛ آدمی و آئینه‌وند، ۱۳۹۷: ۱۷).

همکاری در غرب آسیا: غرب آسیا منطقه همکاری دو دولت روسیه و چین در برابر سیاست‌های آمریکا بوده است. گرچه سیاست خارجی و نگاه استراتژیک روسیه و چین در غرب آسیا متفاوت می‌باشد؛ اما در برخی از موارد به منظور کنترل حوادثها و یا مقابله با سیاست‌های آمریکا با یک‌دیگر همکاری نزدیکی داشته‌اند. روسیه و چین دو کشوری هستند که سعی می‌کنند با همسو کردن سیاست‌های خود، راه را برای نفوذ آمریکا در منطقه غرب آسیا مسدود کنند. مواضع مسکو و پکن شباهت به یک‌دیگر دارند و آن مربوطه به حل و فصل مسائل، چالش‌ها و

تنش‌های منطقه‌ای غرب آسیا بوده است. مهم‌ترین و بارزترین همکاری و هماهنگی دو دولت در تحولات جنبش‌های اعتراضی و انقلابی عربی موسوم به بهار عربی [بیداری اسلامی] به‌ویژه در بحران سوریه رقم خورده است. به‌طوری که دولت آمریکا و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور به دنبال ساقط کردن دولت بشار اسد و روی کار آوردن شخصی نزدیک به غرب در سوریه بوده‌اند؛ اما در مقابل آن نیز کشورهای روسیه و چین به همراه جمهوری اسلامی ایران از بشار اسد حمایت کرده‌اند (Koolace, 2016: 24-25). همچنین، می‌توان گفت گرچه مقامات چینی به ارسال مستقیم نیروی نظامی در سوریه اقدام نکرده بودند؛ اما سعی کردند نقش مؤثری را در کنار دولت روسیه در سوریه ایفا نمایند. چینی‌ها در همسویی با روسیه شش بار قطعنامه‌های پیشنهادی غرب را در شورای امنیت سازمان ملل متحد بر ضدیت دولت اسد و تو کرده‌اند. روسیه و چین نخستین بار چهارم اکتبر ۲۰۱۱ در شورای امنیت با هم از حق وتوی علیه قطعنامه ارائه شده از سوی فرانسه، انگلیس، پرتغال و آلمان علیه سوریه استفاده کرده‌اند. بی‌تردید، این مهم‌ترین همکاری سیاسی-امنیتی چین و روسیه به حساب می‌آید. علاوه بر آن، روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل متحد بارها نسبت به حملات هوایی آمریکا در کشورهای سوریه و عراق واکنش نشان داده‌اند و به تندی از آن انتقاد کرده‌اند.

یکی دیگر از موضوعاتی که سبب همکاری روسیه و چین با یک‌دیگر در منطقه‌ی غرب آسیا شده، موضوع سیاست جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه فعالیت‌های موشکی و هسته‌ای این کشور در منطقه و نوع واکنش و سیاست مهار آمریکا با آن است. دو دولت مذکور با توجه به منافع و اهداف ملی کشورشان و بر خلاف خواسته و اهداف آمریکا روابط و مناسبات خوبی در ابعاد گوناگون به‌ویژه در حوزه انرژی، اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر داشته‌اند. کشور ایران نیز از شرایط موجود بین‌المللی بهره‌برداری کرده، به‌طوری که نهمین عضو سازمان همکاری شانگهای شد. این یک ائتلاف امنیتی به رهبری چین است که شامل روسیه نیز می‌شود. همچنین، جمهوری اسلامی یک توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به رهبری روسیه امضا کرد که بیشتر آسیای مرکزی را پوشش می‌دهد. بعلاوه، به بریکس که یک گروه بازارهای نوظهور که شامل روسیه و چین است، پیوست.

مسکو و پکن در خصوص فعالیت هسته‌ای ایران رویکرد و سیاست نزدیکی دارند. هر دو کشور نمی‌خواهند جمهوری اسلامی ایران به تسلیحات اتمی دست پیدا کند. با این حال، روسیه و چین نسبت به کنش و سیاست‌های دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مخالف بوده‌اند. آنان از توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵ رضایت خود را اعلام کرده و مخالفت خودشان را با خروج دولت دونالد ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۷ و اعمال تحریم علیه کشورمان را اعلام کرده بودند. از منظر مقامات سیاسی و امنیتی دو کشور استفاده از ابزارهای سخت‌افزار، فشارهای حداکثری و تحریم‌های شدید علیه جمهوری اسلامی نتوانسته جلوی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را جلوگیری نماید، بلکه موجب شده ایران در مسیر رشد و توسعه خویش تلاش و انگیزه بیشتری داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به همکاری‌های راهبردی دو دولت روسیه و چین در مقابل سیاست‌ها و اقدامات ایالات متحده آمریکا پرداخته شد و از آنجا که بهبود درک و شناخت پدیده‌ها نیازمند چارچوب نظری مناسب است، در پژوهش از چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی مورد استفاده شده است. روسیه و چین دو قدرت نوظهور هستند که در سال‌های اخیر به‌ویژه در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ و جو بایدن نسبت به اقدامات و سیاست‌های یکجانبه و مداخله‌جویانه آمریکا برداشت و ادراک تهدید نموده‌اند. همین امر خود عاملی گشته تا دو دولت مزبور با یک‌دیگر نزدیک شوند و دست به همکاری‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی در فضای بین‌المللی و مشارکت و همکاری درائتلاف‌ها، نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بزنند. بررسی‌ها حاکی از آن است، این راهبرد همکاری روسیه و چین در نظام بین‌الملل می‌تواند مورد تأیید و همراهی سایر کشورها قرار بگیرد. جمهوری اسلامی ایران مصداق بارز کشور مخالف سیاست خارجی آمریکا بوده و نسبت به سیاست و رفتار دو دولت روسیه و چین تصور منفی ندارد. لذا، مقامات سیاسی و امنیتی ایرانی درک کرده‌اند برای مهار و مقابله با کارشکنی‌های آمریکا و متحدانش و خنثی‌سازی تحریم‌ها و فشارها نیاز دارد با دولت‌های مذکور در سطوح مختلف به‌ویژه در بخش‌های اقتصادی و نظامی همکاری نمایند.

فهرست منابع

- آسیابان، امید. (۱۴۰۱). الگوی حکمرانی. گسل‌های ژئوپولیتیک و رقابت آمریکا با چین و روسیه. *مطالعات راهبردی آمریکا*. ۲(۳)، ۱۵۱-۱۲۱.
- آدمی، علی و آئینه‌وند، حسن. (۱۳۹۷). چگونگی تقابل روسیه و چین با آمریکا در اوراسیا. *آسیای مرکزی و قفقاز*. ۲۴(۱۰۲)، ۱-۳۳.
- بوزان، بری. (۱۳۸۹). *ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ*. ترجمه عبدالمجید حیدری. تهران: مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
- پژوهشکده تحقیقات راهبردی (۱۳۹۹). چشم‌انداز روابط روسیه و ایالات متحده آمریکا در دوره ریاست جمهوری بایدن.
- پورنجفی، وحیبه السادات و شریعتی، شهروز. (۱۳۹۴). ظرفیت استراتژیک ایران در دکترین خیزش صلح‌آمیز چین. *ژئوپولیتیک*. ۱۱(۳)، ۱-۳۰.
- جانسیز، احمد و بهرامی، مقدم سجاد. (۱۳۹۴). آمریکا و ظهور جهانی چین. *روابط خارجی*. ۷(۳)، ۱۱۳-۱۴۶.
- جعفری، افشین و رسول پور نالیکاشری، سمیه. (۱۴۰۱). امکان‌سنجی انتقال قدرت در دریای چین جنوبی: خیزش چین در تقابل با هژمونی آمریکا. *مطالعات راهبردی آمریکا*. ۲(۳)، ۴۹-۸۰.
- حسینی، هانیه و شاهنده، بهزاد. (۱۳۹۶). بحران اوکراین: استراتژی چین و روسیه. *پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*. ۸(۳۱)، ۱۱۵-۱۳۹.
- حیدری، جهان. (۱۳۸۹). استراتژی آمریکا در قبال تایوان و واکنش چین. *سیاست خارجی*. ۲۴(۲)، ۴۵۳-۴۲۹.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و سادات‌الوند، مرضیه. (۱۳۸۷). ایران و سازمان هژمونی و ضد هژمونی. *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۱۰،
- خانی، محمد حسن و مسرور، محمد. (۱۳۹۶). ظهور چین: چالش‌های ایالات متحده آمریکا در مواجهه با قدرت روزافزون چین در روابط بین‌الملل. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. ۱(۲۴)، ۱۸۴-۱۵۹.
- دهشیار، حسین. (۱۳۹۳). سیاست خارجی روسیه در قبال اوکراین: گریز ناپذیری بحران. *روابط خارجی*. ۶(۱)، ۸۳-۱۲۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۴). *نظریه‌ها و فرایندهای روابط بین‌الملل*. تهران: نشر مخاطب.
- رضوان‌پور، علی. (۱۴۰۲). چرا تحریم‌های آمریکا علیه روسیه شکست خوردن است؟. *دیپلماسی ایرانی*.
- رجا نیوز. (۱۴۰۲). مذاکرات نظامی چین و آمریکا و هشدار پکن درباره تایوان.
- سیمبر، رضا و هدایتی شهیدانی، مهدی. (۱۳۹۲). روندهای متحول در روابط روسیه و ایالات متحده آمریکا (مذاکره و همکاری، رقابت و تعارض). *آسیای مرکزی و قفقاز*. ۱۹(۸۱)، ۵۹-۸۷.

- سیمبر، رضا و حسینی، سید مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر همگرایی و منازعه روسیه و چین در عصر پسا جنگ سرد. *آسیای مرکزی و قفقاز*. ۹۰(۶)، ۶۷-۹۹.
- سجادپور، سید محمدکاظم و خلیلی، الهام. (۱۳۹۷). نقش همکاری‌های اقتصادی در روابط استراتژیک چین و روسیه. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. ۲۴(۱۰۱)، ۱-۲۸.
- سجادپور، سید محمد کاظم. (۱۴۰۰). بررسی مناسبات چین و آمریکا. مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ۱۸ اردیبهشت، قابل دسترسی در: <https://www.ipis.ir/portal/subjectview/637003>
- شامیری‌شکفتی، افشین؛ شاهنده، بهزاد؛ سلطانی نژاد، احمد و اسلامی، محسن. (۱۳۹۷). تبیین جایگاه قدرت هوشمند در سیاست خارجی چین. *ژیوپلیتیک*. ۱۴(۵۱)، ۳۱-۶۲.
- شریعت نیا، محسن و توحیدی، ام البنین. (۱۳۸۸). روابط چین و روسیه؛ به سوی ائتلاف؟. *مطالعات ایران و اورآسیا*. ۴(۴).
- صفری، عسگر و راد گودرزی، معصومه. (۱۴۰۰). همکاری چین و روسیه؛ تحلیلی از منظر تئوری انتقال قدرت. *روابط خارجی*. ۱۳(۲)، ۲۶۹-۳۰۸.
- طاهری امین، زهرا. (۱۳۷۰). *تعزیم تحولات چین*. تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فارارو. (۱۴۰۲). قدرت فوق‌العاده موشک‌های هایپرسونیک چین، قابل دسترس در: <https://fararu.com/fa/news/636946>
- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۹۴). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران؛ نشر سمت.
- کیوان حسینی، سید اصغر و نورانی، سید امیر سینا. (۱۳۹۸). ترامپ، جهت‌گیری «امریکا اول» و اختلال در تجارت بین‌الملل (۲۰۱۹-۲۰۱۷). *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*. ۲(۱)، ۳۳۳-۳۶۵.
- گریفتس، مارتین. (۱۳۹۱). *نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم*. ترجمه علیرضا طیب، تهران؛ نشر نی.
- نوری، علیرضا. (۱۳۸۷). تحولات مفهوم آمریکا ستیزی در سیاست خارجی روسیه با تأکید بر سیاست خارجی پوتین. *مطالعات راهبردی*. ۱۱(۴)، ۸۵۳-۸۷۶.
- هدایتی شهیدانی، مهدی. (۱۳۹۸). *روسیه و تحریم‌های غرب*. رشت؛ انتشارات دولتمرد.
- هالپر، استفان و جاناتان کلاک. (۱۳۹۵). *سکوت کانون‌های فکر و شکست سیاست خارجی آمریکا*. ترجمه نادر پور آخوندی، تهران؛ نشر خرسند.
- هانتر، شیرین و جفری ال توماس و ملیکیشویلی، الکساندر. (۱۳۹۱). *اسلام در روسیه سیاست‌های هویتی و امنیتی*. ترجمه الهه کولایی و همکاران، تهران؛ نشر نی.
- هنسن، برت و پتر تافت و آندره ویول. (۱۳۹۰). *راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی*. ترجمه سید امیر نیاکوئی و احمد جانسیز، رشت؛ انتشارات دانشگاه گیلان.
- وٹوقی، سعید؛ رستمی، امیر حسین و یزدانی، عنایت اله. (۱۳۹۷). تأثیر قدرت‌یابی چین بر روابط و رقابت با آمریکا. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. ۸(۴)، ۷-۳۸.

يزداني، عنايت اله و طالعي حور، رهبر. (۱۳۹۶). نقش روسيه و چين در گذار نظام بين‌الملل از تك قطبي به چند قطبي. *مطالعات سياسي*. ۹(۳۶)، ۹۰-۶۵.

Allison, G. (2018). *China And Russia: A Strategic Alliance In The Making*. The Belfer Center For Science And International Affairs, Available At: <https://www.belfercenter.org/publication/china-and-russia-strategic-alliance-making>

Akimoto, S., Hiroshi, Y. (2018). Tension with the West, and the Diversification of Foreign Relations. *East Asian Strategic Review*, 143-180.

Bossuyt, F., Marcin, k. (2022). Russia And China Between Cooperation And At The Regional And Global Leve. *Eurasian Geography And Economics*, 62(5), 539-556

Cong, w. (2021). As US wields sticks, China, Russia to counter dollar hegemony As Washington wields sticks, urgency rises for de-dollarization: expertsm, Available at: <https://www.globaltimes.cn/page/202103/1219107.shtm>.

Chakraborty, S. (2018). Significance of BRICS: Regional powers, global governance, and the roadmap for multipolar world. *Emerging Economy Studies*, 4(2), 182-191.

Economist. (2014). China's Military Spending: At The Double. update March 15th, Available At: <https://www.economist.com/china/2014/03/15/at-the-double>

Fajgelbaum, P., Goldberg, P., Patrick, K., Amit, K. (2019). The US - China Trade and Global Reallocations, National Bureau of Economic Research.

Goldsmith, E. Benjamin. (2005). *Imitation in International Relations: Observational Learning, Analogies and Foreign Policy In Russia and Ukraine*, NY: Palgrave Macmilan.

Goldstein, Avery. (2001). The diplomatic face of China's grand strategy: arising power's emerging chohardice. *The (China's quarterly)*, 167).

Heydarian Pashakhanlou, a, A. (2009). comparing and contrasting classical realism and neorealism, e-international relations(e-ir), Available At: <https://www.e-ir.info/2009/07/23/comparing-and-contrasting-classicao-realism-and-neo-realism/>

<https://www.statista.com/statistics/263632/trade-balance-of-china>

Koyama, K. (2019). World shaken by Trump Administration's Hardlin anti - China/Iran policy, A Japanese perspective. *on the International Energy Landscape*, (427), May 9

Korobkov, A. (2019). Download Trump and the Evolving U.S. – Russia. *PERCEPTIONS*, 1, 39-58

Koolae, E. (2016). Change in Russia - US Relations under Medredev. *International Studies Journal*, 15 (3), 12.

- Lukin, A. (2020). The Russia-China entente and its future. *International Politics*, pp1-18.
- Lukin, A. (2018). China and Russia: The New Rapprochement and the End of a Unipolar World, Chaire Grands Enjeux Strategiques Contemporains, Available At:https://chairestrategique.pantheonsorbonne.fr/sites/default/files/2021-03/lukin_chaire_grands_enjeux_2018.pdf
- Maizland, L. (2023). Why China-Taiwan Relations Are So Tense. Council on Foreign Relations (CFR). Available at:<https://www.cfr.org/backgrounder/china-taiwan-relations-tension-us-policy-biden>
- Mishra, V. (2022). From Trump To Biden, Continuity And Change In The Us China Policy. Available At:<https://www.orfonline.org/research/from-trump-to-biden-continuity-and-change-in-the-uss-china-policy/?amp>
- Mearsheimer, J. (2006). *Chinas Unpeaceful Rise, Current History* _ New York then Philadelphia
- Mearsheimer, J. (2022). John Mearsheimer on why the West is principally responsible for the Ukrainian crisis, *The economist*, Available At:<https://www.economist.com/by-invitation/2022/03/11/john-mearsheimer-on-why-the-west-is-principally-responsible-for-the-ukrainian-crisis>
- Nordin, A., Mikael, W. (2018). Will Trump make China great again? The Belt and Road Initiative and International. *International Affairs*, PP1-18.
- Neuger, G. James. (2014). Woodrow Wilson's Ukraine Failure Foreshadows west's Dilemmas, Available At: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2014-03-13/woodrow-wilson-s-ukrainian-failure-foreshadows-west-s-dilemmas>
- Ray, M. (2022). Russia-Ukraine War, *The Encyclopædia Britannica*, Available At:<https://www.britannica.com/event/2022-Russian-invasion-of-Ukraine>
- Shaolei, F. (2021). From Trump to Biden: New Changes in U.S.-Russia Relations, *The Institute for Global Cooperation and Understanding (IGCU)* Available At:<https://en.igcu.pku.edu.cn/info/1118/2426.htm>
- Stamman, B. (2020). *The Return to Isolation in Us – Foreign Policy under The Trump Administration*, Drury University, April3_4.
- Sospedra torres, J. (2018). Relation between US– Russia: a new cold war? The moment of Trump. *ieee. es*
- Smith, J., Adam, T. (2017). *The Future of Us – Russia Relations*. Center for a new American security
- Santasombat, Yos, ed. (2015). *Impact of China's Rise on the Mekong Region*. Palgrave Macmillan.
- Shambaugh, D. (2013). *china goes global*. Published in the United States of America by Oxford University Press.
- Sen, S. (2010). *China in the Global Economy*, Levy Economics Institute of bard college, 642

- shlapentokh, D. (2006). Russia's Approach to the Us A: between Hate and Love, center for strategic Research, Autum-winter 2006.
- Stocking, A., Dinan, T. (2015). China's Growing Energy Demand: Implications for the United States. Working Paper Series Congressional Budget Office Washington, DC, Available at: <http://go.usa.gov>, Accessed on: 28/09/2017.
- Taliaferro, jeffrey w. (1999). Security Under Anarchy: Defensve Realism, columbia International Affairs Onlie(CIAO), Available At:<https://ciaotest.cc.columbia.edu/isa/taj>
- Walt, S. (1985). Aliance Formation and The Balance of world power, International security, 9
- Vox .(2019). State of the Union: the truth about the US economy under Trump, Available at: <https://www.vox.com/2019/2/5/18210757/state-of-union-2019-econmy-fact-check>
- Zhu, L., Wei, W. (2020). A critical discourse analysis of the US and China political speech- based on the two speeches respectively by Trump and Wang Yi in the General debate of the 72nd session of Assembly. *Journal of Language Teaching*
- Zhu, L., Wei, W. (2020). A critical discourse analysis of the US and China political speech- based on the two speeches respectively by Trump and Wang Yi in the General debate of the 72nd session of Assembly. *Journal of Language Teaching And Recerch*, 11(3),435-445.

